

آچارکشی

مرکز آمار ایران کاررایکسره‌کرد



یوریا عالمی

● مرکز آمار ایران با انتشار گزارشی کار را یکسره کرد و تکلیف ما را ساخت. یعنی آن چیزی که ما تا الان سعی می‌کردیم با زبان اشاره بگویم مرکز آمار با آمار گفت. اصولاً چیزی را که آدم نمی‌تواند راحت نشان بدهد با آمار راحت می‌توان نشان داد که چقدر بزرگ است. بر همین اساس مرکز آمار ایران گفت متوسط هزینه خالص سالانه یک خانوار شهری در ایران ۱۴درصد اضافه شده. خوشحال نشوید. این خبر خوشحال‌کننده‌ای نیست. اصلاً هر چیزی که زیر می‌شود خوب نیست. یعنی شما اگر تا پار سال هزینه‌ات بوده یک میلیون تومان، الان شده یک میلیون و ۱۴۰ هزار تومان. خلاصه مرکز آمار ایران برای اینکه آب پاکی را بریزد روی دست ما گزارش داد: «متوسط هزینه ماهانه هر خانوار شهری یک‌میلیون و ۹۵۷ هزار تومان است»، که حواستان باشد این عدد هزینه خانوار است و با خط فقر شهری فرق دارد. شاید ندانید اما شاید هم بدانید و باورتان نشده باشد شاید هم باورتان شده باشد و خودتان را زده باشید، به آن راه. اما به‌هرحال پایه حقوق وزارت کار در سال ۹۴ پادتان است چقدر است؟ بله. ۷۱۲هزارو۴۲۵ تومان. که آن ۲۵ تومان خرده‌اش نشان می‌داد هیچ چیز اینجا بی حساب‌کتاب نیست و وزارت کار نشسته حساب کرده کارگر که بخواهد برود سرر کار چندان ۲۵تومانی نیاز دارد باقی کرایه را بدهد. برای اینکه بین کارگر و راننده اتوبوس و مترو دعوا نشود، اداره کار به اندازه کافی ۲۵تومانی به کارگر جماعت می‌دهد. اما حالا برویم سراغ درس ریاضی. اگر هر کارگر ماهی ۷۱۲هزارو۴۲۵ تومان در بیارود و ماهی یک‌میلیون و۹۵۷هزار تومان خرج کند چقدر باقی می‌ماند؟ الف- از کارگر؟ هیچی. فقط یک کفش مستعمل. ب- از حقوق؟ تقریباً شش‌میلیون تومان باقی می‌ماند که شهروند می‌تواند روی یخ بنویسد.

این‌طوری که مشخص است هر کی در شهر زندگی می‌کند باید ۲/۷۵ شیفث کار کند، که جای خوشبختی است. یعنی هر شهروند ایرانی ۰/۲۵ خالی دارد که سرش را بگذارد و بخوابد. صاحب‌نظران معتقدند در کشورهای صنعتی که ربات‌ها جای نیروهای کار را گرفته‌اند، حتی ربات‌های پیشرفته هم نمی‌توانند ۲/۷۵ شیفث کار کنند. چرا؟ چون ربات‌ها کارگر ایرانی که نیستند و به‌هر حال نیاز به استراحت دارند.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه «۱۴ آبان ۱۳۹۴» ۲۲ محرم ۱۴۳۷ «۵ نوامبر ۲۰۱۵» سال سیزدهم • شماره ۲۴۴۰ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۵ • اذان صبح‌فردا ۵:۰۵ • طلوع آفتاب ۶:۳۱

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com



سمنر به دنیای مطبوعات بیست و یکمین نمایشگاه مطبوعات The 21st press exhibition

۱۶ الی ۲۲ آبان ماه ۱۳۹۴ مصلای بزرگ تهران Tehran Grand Musalla 7.13 Nov . 2015



جهانگیر هدایت

صادق هدایت به احتمال بسیار اولین نویسنده معاصر بود که به گیاه‌خواری روی آورد. او از ۱۵ سالگی گیاه‌خوار شد و اگر توجه خاص مادرش خانم زبورالملوک شامل حال او نمی‌شد، گیاه‌خواری‌اش زیاد طول نمی‌کشید. او در ایامی گیاه‌خوار شد که موضوع پخت‌وپز و تهیه غذا در خانه، کار ساده‌ای نبوده؛ اغلب آشپزخانه‌ای داشتند که چند احاق داشت. گرمای احاق با زغال سیاه با هیزم تعبیه می‌شد و اصولاً آشپزخانه در زیرزمین و جای پردودی بود که حتی در کودکی مرا از رفتن به آنجا منع می‌کردند. طرف غذایزی دیک بود، هنوز ماهیتابه و امثالهم ظهوری نداشت و در دیگ‌های بزرگ و کوچک انواع غذاها را پخته و سر میز ناهار و شام می‌فرستادند. در چنین شرایط دشواری بود که خانم زبورالملوک غذای

اتفاق

عطسه‌مدیری‌بالبخند‌زورکی



گیسو ففقوری

این‌بار مهران مدیری علاوه بر ساخت قسمت دوم «در حاشیه» مجموعه‌سریالی را برای شبکه نمایش خانگی عرضه کرده است با عنوان «عطسه»؛ قطعه‌هایی کوتاه که به صورت تک‌نفره یا دونفره اجرا می‌شود و مسائل مبتلابه روز را دربر می‌گیرد. سرپرست نویسندگان هم امیرمهدی زوله است و کمیک‌استرپ‌های «بزرگمهر حسین‌پور» فاصله بین آیتم‌ها را دربر می‌گیرد و فضای ذهنی مخاطب را برای دیدن بخش بعدی آماده می‌کند. پیش از عرضه مجموعه، این گمانه‌زنی وجود داشت که این آثار ادامه یا درواقع باقیمانده «شوخی کردم» بوده و چون آن‌موقع پخش نشده، بخش‌های دیگری به آن اضافه و در قالب جدید عرضه شده است. البته حضور «جواد رضویان» در این مجموعه شاید این گمانه را کمرنگ کند اما وجود یکی، دو بخش شوخی با پزشکان با توجه به اتفاقات روی‌داده برای «حاشیه» می‌تواند بر این گمانه صحنه بگذارد. در همین دو قسمتی که پخش شده است متأسفانه چند نکته که البته می‌تواند با اغماض جزء ویژگی‌های آثار مدیری محسوب شود، به چشم می‌خورد؛ طبق معمول تکیه بر توانایی‌های بازیگری و استعدادهای کسانی همچون «رضویان» و «غفوریان»، همراهی نزدیک بین نویسنده و گروه بازیگری و درعین‌حال تأکید بر جزئیات توسط «مدیری» که در پشت صحنه هم این نکته را می‌توان دید. شاید شوخی با حجم زیاد اسپانسرها در تلویزیون دیگر یک شوخی عادی چندساله باشد یا هزینه‌های زیاد بیمارستان‌ها آن هم در هنگام اتاق عمل بعد از به برخی از برنامه‌های چالش‌برانگیز تلویزیون تکراری به نظر برسد؛ اما نمی‌توان از کنار این نکته به‌راحتی گذشت که این مجموعه برخی از جای خالی‌ها را بر می‌کند؛ جای خالی انتقاد از رسانه ملی و یک‌سوبودن رسانه‌ای که می‌تواند به قول بهروز افخمی – سردبیر جدید برنامه هفت – بیش از ۴۰ میلیون مخاطب داشته باشد یا کمبود برنامه‌های طنز اجتماعی و از همه مهم‌تر پرداختن به مسائل اجتماعی از زاویه دیدی دیگر. اکنون در صداوسیما انواع برنامه‌های گزارشی – کاری به یک‌طرفه یا همه‌جانبه‌بودن آن نداریم- سریال‌هایی شاید محقرانه‌تر نسبت به شبکه نمایش خانگی – مقایسه شهزاد در شبکه نمایش خانگی و کیمیا در تلویزیون – و انواع بخش‌های خبری و ارتباط مستقیم با مردم ساخته می‌شود. اما جای چنین مجموعه‌های طنز اجتماعی، خالی است. هرچند ناگزیر باشیم باز هم حرکات تکراری تیم بازیگری و جملات معمولی تیم نویسندگان را تماشا کنیم؛ اما در نهایت جایگاه اول ساخت موفق چنین برنامه‌هایی هنوز با بیشترین فاصله در اختیار این گروه است.

میراث فردا

هدایت، گیاه‌خواری، محیط‌زیست

روسو و افلاطون در منابع خارجی، هر کدام به‌گونه‌ای از گیاه‌خواری یاد کرده‌اند. «فواید گیاه‌خواری» صادق هدایت از نخستین کتاب‌هایی است که یک نویسنده ایرانی درباره محیط زیست نگاشته است. صادق هدایت تا پایان عمر گیاه‌خوار باقی ماند و پس از او عده‌ای از نویسندگان به گیاه‌خواری روی آوردند و شاید مدتی گیاه‌خواری، یک نوع حرکت روشنفکری بود که ساری و جاری شده بود. در دنیا گیاه‌خواری روزه‌روز وسعت بیشتری می‌یابد و عده بیشتری علاقه‌مند پیدا می‌کند. در آمریکا رستوران‌های گیاه‌خواری به‌صورت زنجیره‌ای و درآمد و تنوع غذایی در آنها به‌قدری وسیع است که به‌سختی می‌توان باور کرد تمام این غذاها از مواد گیاهی و بدون استفاده از گوشت فراهم شده‌اند. درحال‌حاضر در ایران گیاه‌خواری کم‌وبیش میان جوانان متداول است، ولی نوع آن با آنچه صادق هدایت در کتاب خود آورده متفاوت است. حتی در تهران رستوران‌های گیاه‌خواری برقرار است که مشتری‌های خود را دارد و غیرگیاه‌خواران هم برای نوعی تنوع، از این رستوران‌ها استفاده می‌کنند.

آکادمی

وقتی که اندیشه به زبان نمی‌آید



عبدالرحمن نجل‌رجیم
عمب‌شناس و عمب‌پژوه

در مغز است که اندیشه از زبان غیرقابل‌افتراق می‌شود. او می‌نویسد وقتی لخته‌ای راه خون‌رسانی به بخشی از مغزش را می‌بندد، سلول‌های مغزی بخشی از مغزش می‌میرند و مانع می‌شوند تا فعل اندیشه‌اش به بیان گفتاری تبدیل شود. این حادثه، سؤالی در ذهن او ایجاد می‌کند که اندیشه قبل از بلوغ کلامی‌اش چگونه پدیده‌ای است؟ شاید همان چیزی است که «دانته» در «کمدی الهی» که در گذر به بهشت می‌گوید که در ذهن من رعدوبرقی می‌زند تا به آنچه که در اشتیاقش بودم، برسیم. درواقع این همان اندیشه‌ای است که هنوز به‌ه واژه درنیامده است. در شرایط عادی ما مراحل این فرایند پیچیده اما سریع را متوجه نمی‌شویم. اما برای «مانگویل» بعد از سکنه، این فرایند سریع به‌شدت کند، حتی متوقف و ناپایدار می‌شود، مانند وقتی که ناگهان چراغ راه‌پله‌های مکان آشنایی را که تو از آن می‌گذری، خاموش کرده باشند. او می‌نویسد در شرایط بعد از سکنه است که آگاهی‌اش به‌سوی اندیشه بدون کلام جلب می‌شود، مانند آدمی که آن‌گاه که پایش می‌سکند، به راه‌رفتن خود هوشیاری پیدا می‌کند. «مانگویل» می‌نویسد برای او پل بین اندیشه و گفتار فرو ریخته بود و در یک طرف این پل شکسته، افکار منتظر مانده بودند که قادر به رسیدن به طرف دیگر پل یعنی زبان نبوندند. اندیشه‌های از کلام دورافتاده او در بیرون از زمان و مکان شکل می‌گرفتند و همه‌چیز درحال‌حاضر، همین الان و اینجا اتفاق می‌افتاد. اما هیچ‌چیز ناپدید نمی‌شد و به سایه‌ها نمی‌پیوست، بلکه همه‌چیز حضور داشت، حتی اگر در حال تغییر بود. چون نقاشی‌های دوران قرون وسطا که در آنها سیر تکوین قصه‌ای طولانی گسترده در زمان و مکانی وسیع، در قاب منجمدی از نظر زمانی و مکانی به تصویر کشیده می‌شد. این تجربه، «مانگویل» را قانع می‌کند که زبان نقشی محوری در ساختارمندی زمانی و فضایی اندیشه دارد و با دستور زبان است که گذشته و حال و آینده در ذهن ما شکل می‌گیرد. اما آنچه که در حال اتفاق می‌افتد، در زبان نیز از اهمیت بیشتری برخوردار است و در اکثر زبان‌ها زمان حال معادل آنچه واقعی و حقیقی است، تلقی می‌شود. درحالی‌که آنچه در گذشته و آینده اتفاق می‌افتد، از چنان حتمیت و قطعیتی برخوردار نیست. «مانگویل» در ادامه نوشته خود، از داستان کوتاه «نامیرا»ی بورخس یاد می‌کند که در آن راوی در سفری اسطوره‌ای و پرماجر به سرزمین نامیرایان، درمی‌یابد که جهان بی‌زبان، جهانی بی‌مرگ است، زیرا در آن گذشته، حال و آینده‌ای وجود ندارد و در چنین جهانی تجربه زندگی انسانی غیرممکن می‌شود. «مانگویل» می‌نویسد که تجربه بستری‌شدن در بیمارستان و تصویربرداری از مغز سکنه‌کرده‌اش در درون ماشینی قبرمانند، همراه با اشرافی که به کارکرد اندیشه و زبان در طول این واقع‌ه پیدا می‌کند، او را به این نتیجه می‌رساند که برعکس آنچه انسان‌های دوران قرون وسطا فکر می‌کردند که هرگز برای انسان‌ها ممکن نخواهد بود، ما امروز می‌توانیم مشاهدات خودمان را مشاهده و نقشه اندیشه‌مان را کشف کنیم و هم‌زمان هم تماشاجی و هم بازیگر آنچه در ذهنمان می‌گذرد، باشیم. ما انسان‌ها به‌تدریج قادر شده‌ایم که روحمان را در دستان خودمان بگیریم.

پیشنهاد



کردستان، یکی در سکوت و دیگری در غوغا، زبانی متوسل به شمع و مردانی متمسک به خاک». این مجموعه از سوی بنیاد ورلدپرس فتو ۲۰۱۳ برنده جایزه دوم در بخش پرتره شده است و همچنین در Rukaj Gallery تورنتو به نمایش در آمده است. دو فریم از این مجموعه نیز در گنجینه موزه هنرهای زیبای هیوستون (Museum of Fine Arts Hous-) ton) نگهداری می‌شود. این نمایشگاه تا ۲۵ آبان ساعت ۲۰ در بلوار کشاورز، روبه‌روی پارک لاله، بین وصال و قدس، ساختمان تکنو آجر، شماره ۲۱۰ ادامه دارد.

دو جغرافیای متفاوت، متفاوت در مکان و زمان و جنسیت. سنت تمام‌زمانه «چهل‌منبر» در خرم‌آباد لرستان و آیین تمام‌مردانه «کل‌گیران» در بیجار